

**پاورقی ۴۰**

متن کتاب «تپه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱ سپتامبر

**دروغ بزرگ**

در سال ۱۹۹۰، گروه کارلیل درگیر یک ماجرای اخاذی منابع مالی شد. یک مبلغ حزب جمهوریخواه به نام وین برمان مقداری پول از صندوق‌های بازنشستگی آمریکا اخذ کرده بود تا برای مبارزات انتخاباتی خانواده بوش هزینه کند. یکی از این صندوق‌ها موافقت کرده بود تا یک میلیون دلار به گروه کارلیل در ازای یک قرارداد دولتی در ایالت کاتکتیکت برسد. ریاست این گروه بر عهده فرانک کارلوچی است که قبل از پست وزارت دفاع، معاون سازمان CIA بود.



مشاور او نیز جیمز بیکر است که رئیس سابق کارکنان کاخ سفید در دوره پرزیدنت ریگان، سپس وزیر خزانه‌داری و سرانجام وزیر خارجه در دولت جورج بوش (پدر) بود. گروه کارلیل برای نمایندگی خود در دیگر کشورها، جان میجر (نخست وزیر سابق انگلیس) و جورج بوش (پدر) (رئیس سابق CIA و رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده) را به استخدام خود درآورده است. در میان دیگر مدیران گروه کارلیل می‌توان به سامی مبارک بارما که عامل خالد بن محفوظ است و طلعت عثمان اشاره کرد که هر دوی این اشخاص مستقیماً با جورج دبلیو بوش مرتبط هستند. البته جورج دبلیو بوش منافع شخصی خویش را همچنان از تجارتی سودآور در زمان ریاست بر شرکت انرژی هارکن تحصیل می‌کند. این شرکت کوچک نفتی تگزاس، برنده امتیازهای نفتی از دولت بوشین شد که توسط جورج بوش (پدر) به‌عنوان پاداش قراردادهای مورد مذاکره با دولت کویت اعطا شد. یقیناً این امر یک عمل کاملاً غیرقانونی است. خالد بن محفوظ ۱۱/۵ درصد سهام شرکت هارکن را در اختیار داشت. سهام او توسط یکی از نزدیکانش به نام عبدالله طهاه بخش اداره می‌شود. در حالی که طاعت عثمان مدیر بود، سالم برادر بزرگتر اسامه بن لادن توسط عامل آمریکایی خویش به نام جیمز بث در هیات مدیره شرکت هارکن حضور داشت. اعضای این حلقه کوچک و تنگ (محدود) (خانواده بوش، وابستگان و شرکای سیاسی و مالی آنان به اضافه CIA) در امر توطئه تازه کار نیستند. آنان در مرکز بزرگ‌ترین رسوایی مالی دهه ۱۹۹۰، یعنی ورشکستگی BCCI (بانک بین‌المللی اعتبار و تجارت) قرار داشتند. این بانک، یک موسسه انگلیسی پاکستانی بود که ۷۳ کشور حضور داشت و با مالکیت ۳ خانواده بزرگ یعنی خانواده‌های گوگال (پاکستان)، بن محفوظ (عربستان سعودی) و نیز گیت فارن (اوپویی) بود. سپس به تشویق رئیس سابق CIA و معاون رئیس‌جمهور آقای بوش (پدر)، دولت ریگان مجدداً BCCI برای انتقال کمک‌های مالی عربستان سعودی به روشیان کنترل آ، نیکاراگوئه و نیز هدایت منابع مالی CIA به مجاهدین در افغانستان استفاده کرد. این بانک همچنین در معاملات تسلیحاتی دلال سوری یعنی سرکیس سارکنلیان، رسوایی کیتینگاد در ایالات متحده، امور مربوط به مارک ریچ که یک متخصص مسائل پولی است و تامین مالی گروه ابوفضال دین داشت. سرانجام این بانک به دلیل اثبات اینست امر که در تطهیر کارت ملدین فعالیت داشته، ورشکستر شد. هنگامی که درهای این بانک بسته شد حدود یک میلیون سپرده گذار جزء، پس‌اندازهای خویش را از دست دادند. شگفت‌آور نیست که بانک BCCI حتی اگر ساخته CIA نباشد، اما می‌تواند تحت نفوذ و سیطره این سازمان قرار گرفته باشد. در میان سرویس‌های مخفی آمریکا از زمان تأسیس OSS توسط وکلای تجاری و دلالان سهام وال استریت، یک سنت بانکداری طولانی وجود داشته است. ۲ رئیس سابق CIA یعنی ریچارد هلمز و ویلیام کیسی، به همراه ۲ عامل بانفوذ دیگر یعنی عدنان خاشققی (نماینده گروه سعودی بن لادن در آمریکا) و منوچهر قربانی‌فر (بازرگان اصلی در ماجرای ایران گیت)، همگی برای BCCI کار می‌کردند. از دیگر افرادی که برای این بانک کار می‌کردند، می‌توان به کمال ادهم (برادرزن شاه فیصل عربستان سعودی مخفی عربستان سعودی تا سال ۱۹۷۷)، شاهزاده ترکی فیصل آل سعود (رئیس سرویس مخفی عربستان سعودی از سال ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۱) و معلم اسامه بن لادن عربستان سعودی) اشاره کرد. البته به منظور ثبت در سابق، لازم است توجه کرد که به نظر می‌رسد BCCI در فرانسه نیز نقشی مخفیانه ایفا کرده است. این بانک عمدتاً به منظور پنهان ساختن انتقال فناوری آمریکایی – فرانسوی به پاکستان و پرداخت پول برای آزادی گروگان‌ها به خدمت گرفته شد.

ادامه دارد

**تأملات**

**آیا وعده‌ها و آمارهای دولت قابل اعتماد است؟**

# روحانی، مردود در جذب سرمایه خارجی

■ امیرعلی جهانداد ■

مرکزی درباره موفقیت آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی سالانه تا سطح ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیارد تومانی را وعده می‌داد. رئیس‌جمهور در جدیدترین اظهارات انتخاباتی دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری گفته است: «چرا در سال‌های قبل از سال ۹۲ سرمایه‌گذاری خارجی متوقف و منفی شد؟ به دلیل اینکه مردم نمی‌دانستند با چه تحریم و مشکلاتی مواجه هستند.» برخلاف اظهارات روحانی، آنکاد (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل) که مرجع رسمی آمار جذب سرمایه خارجی در سال ۹۵ با این سال (۹۴)، براساس اظهارات مسؤولان داخلی از وضعیت جذب سرمایه به غیر از منابع نفت و گاز، مناطق آزاد و بورس، حدود یک میلیارد دلار در نظر گرفته شد. دوران پس‌لرجام با رفت و آمدهای زیادی هم از سوی تیم‌های اقتصادی کشورهای مختلف همراه بود اما هیچ کدام به نتایج اقتصادی نرسید. بررسی آمارها نشان می‌دهد در کل ۱۶ ساله سازندگی و اصلاحات، میزان سرمایه خارجی جذب شده در کشور حتی به ۱۲ میلیارد دلار نیز نرسیده است که تازه از این رقم، بخش بسیار ناچیزی از آن (حدود ۳۰ درصد) صرف سرمایه‌گذاری در صنایع شده است و بقیه در بخش‌های خدماتی مصرف شده است. وقتی کشوری در طول ۱۳ ساله ۸ سال آن مشخصاً تحت مدیریت سیاست خارجی غربگرای دولت خاتمی بوده است، فقط ۱۱ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده، حال چگونه می‌توان پذیرفت دولت فعلی به واسطه توافق نیم‌بند برجام می‌تواند چیزی حدود ۳۰ برابر آن سرمایه خارجی جذب کند؟ غربی‌هایی که در دولت خاتمی در ایران سرمایه‌گذاری نکردند، چرا باید در دولت روحانی این کار را بکنند؟ آن‌هم با انتقال پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها، نمودار زیر مشخص می‌کند دولت‌های نهم و دهم نه تنها نسبت به دوره‌های سازندگی و اصلاحات موفقیتی بیشتری در جذب سرمایه خارجی داشته است بلکه میزان جذب سرمایه خارجی آن در اوج دوره تحریم‌ها، به تنهایی بیش از دو برابر عملکرد دولت یازدهم در دوره پس‌لرجام است. در سال اول دولت حسن روحانی میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشور با یک میلیارد و ۶۱۲ میلیون دلار کاهش، ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسید. در سال‌های دوم و سوم دولت یازدهم هم آمار سرمایه‌گذاری خارجی تا میزان ۲ میلیارد و ۱۰۵ و یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار کاهش یافت تا میزان سرمایه‌گذاری خارجی در دولت حسن روحانی در مجموع ۱۱۰۰ روزه و به‌رغم اجرای برجام و رسنی ۱۵۰ تا ۲۰۰ هیات تجاری به ایران تا میزان ۷/۵ میلیارد دلار کاهش پیدا کند. کشورهای جهان سومی که تا قبل از دولت روحانی وضعیت به مراتب بدتری از ایران در حوزه جذب سرمایه خارجی داشتند، در دولت روحانی و پس‌لرجام ایران را در جذب سرمایه خارجی پشت سر گذاشتند.

**■ چشم دوختن کشورهای خارجی به منابع خام کشور**

بی‌علاقگی سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به وارد کردن تکنولوژی‌های مدرن امری بود که همواره توسط دلسوزان کشور به دکتر روحانی گوشزد می‌شد. تجری به سال اخیر نیز در این مقوله نشان داده است خارجی‌ها اولاً تمام هم خود را مصروف سرمایه‌گذاری در منابع خام داشته‌اند و اگر هم در صنعتی چون خودروسازی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، تکنولوژی و محصولات دست چندم خود را وارد کشور کرده‌اند.

**منبع**

۱- حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، علیرضا میروسی، انتشارات پرس

۲- روش‌های سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی، انتشارات بورس

۳- مدیریت سرمایه‌گذاری، چارلز پی، جونز، ترجمه تهرانی و نوربخش، انتشارات نگاه دانش

**نمودار – میزان سرمایه خارجی جذب شده از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵**



شرکت‌های کوچک‌تر کرای، تاپوئی و هنگ‌کنگی و سایر شرکت‌های متعلق به کشورهای با درآمد متوسط، در صنایع ساخت کالاهای صادراتی نظیر نساجی، کفش، وسایل ورزشی و موتناژ وسایل الکترونیک کاربرد، در کشورهای خارج سرمایه‌گذاری می‌کنند

**■ بررسی روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه**

دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دوران پیش‌گرفتن سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای جهان نامیده می‌شود. سهم کشورهای در حال توسعه از کل جریان ورودی FDI طی ۲ دهه گذشته همواره افزایش یافته است به طوری که سال ۱۹۹۷ به ۳۷/۲ درصد رسیده است. تا نیمه دهه ۱۹۸۰ تاکنون کشورهای رو به توسعه به طور فزاینده‌ای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بررسی کرده‌اند که تا سال ۱۹۹۲ به طور کافی رشد کرده و ۳۰ درصد کل انتقال منابع خالص خارجی را تشکیل می‌داد. سال ۱۹۹۸ به واسطه بروز بحران در جنوب شرقی آسیا سهم ورودی این کشورها از FDI به ۲۵/۸ درصد کاهش یافته است. بخش عمده‌ای از افزایش سهم کشورهای در حال توسعه از جریان ورودی FDI مربوط به موفقیت منطقه شرق و جنوب شرقی آسیا طی سال‌های گذشته است. به‌عنوان مثال سهم این کشورها از جریان ورودی FDI از ۶/۱ درصد طی سال ۱۹۸۰-۱۹۷۵ به ۲۲/۱ درصد در سال ۱۹۹۶ رسیده است. پس از بروز بحران جنوب شرقی آسیا طی سال‌های ۹۷ و ۹۸ شاهد کاهش حجم ورودی FDI به این منطقه هستیم. به طوری که سال ۱۹۹۸ سهم کشورهای این منطقه از کل حجم تولیدی دنیا به سطح ۱۲ درصد کاهش یافته است. نکته دیگر پایین بودن سهم منطقه غرب و مرکز آسیا از جریان جهانی FDI است همچنین سهم این کشورها از جریان ورودی FDI با اینکه در سال ۹۸ نسبت به سال‌های دیگر افزایش یافته است و به سطح ۱۷/۲ درصد رسیده است لیکن از سطح ۱/۶ درصدی ملی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۵ هنوز کمتر است. بنابراین توزیع جهانی جریان ورودی FDI بین کشورهای در حال توسعه، یکسان نیست. و در میان کشورهای در حال توسعه بیشترین جریان FDI به آسیای جنوب شرقی سرازیر شده است. طی دوره ۲۵ ساله ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه از مجموع ۲۲/۷ میلیارد دلار به ۹۰/۳ میلیارد دلار در سال و نسبت آن به تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورها از ۰/۴۲ درصد به ۱/۶۵ درصد افزایش پیدا کرد. در ۱۹۹۵ حدود ۵۹ درصد از مجموع خالص سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه منطقه آسیای شرقی و پاسیفیک صورت گرفت در واقع اغلب عناصر غیر مالی مجموعه سرمایه‌گذاری از قبیل تخصص مدیریت، ورود تکنولوژی‌های جدید، مهارت‌های فنی و دسترسی به بازارهای جهانی اشتیاق کشورهای در حال توسعه را برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) جلب می‌کرد. در بررسی روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی میزان جذب و ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق غرب آسیا، آسیا و اقیانوسیه و در مجموع در کشورهای در حال توسعه تا متوسط سالانه (۲۰۰۰-۱۹۹۰) و طی سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ و ۲۰۰۵ سیر صعودی داشته است.

**■ روحانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی**

در سازمان نظری دولت ۲ مدعای عمومی و خصوصی وجود داشته است. مدعای عمومی دولت روحانی – که مدعای همه دولت‌ها نیز هست – این بوده که می‌تواند با تدبیر خود مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور را حل کند. از سوی دیگر مدعای خاص دولت یازدهم نیز این بوده که «از طریق همکاری با غرب، توسعه را برای ایران به ارغمان می‌آورد» که این ادعا را با اعتقاد یک توافق – برجام – وعده کرده است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدن نظر دولت از این مسیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و توسعه اقتصادی بوده است. مسیری که حتی در سطح رئیس کل بانک

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عموماً اینگونه تعریف می‌شود که لازم است سرمایه‌گذار خارجی حضور فیزیکی داشته باشد و با قبول مسئولیت مالی و پذیرش ریسک در سود و زیان، احتمالاً کنترل و اداره واحد تولیدی را نیز مستقیماً در دست داشته باشد. به این ترتیب سرمایه‌گذار به طور مستقیم در اجرای فعالیت‌های تولید نقشی موثر دارد بنابراین با توجه به تعاریف و مطالب عنوان شده سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی پایدار بوده و چندان فرآزن نیست. به عبارت دیگر در هنگام بروز رکود در کشور میزبان، این نوع از سرمایه‌گذاری نه تنها از کشور خارج نمی‌شود بلکه در صورت فعالیت مطلوب آن کشور را در جریان از بحران و رکود یاری می‌کنند. حجم بالایی از جریان FDI مربوط به شرکت‌های چندملیتی (MNE) و شرکت‌های فراملیتی (TNC) بوده و شرکت‌های چندملیتی، شعبه‌ها و واحدهای تحت پوشش خود را در کشور میزبان تأسیس می‌کنند. شرکت‌های خارجی وسیله‌ای برای افزایش قابلیت‌های شرکت‌های داخلی بوده و در جذب سرمایه‌های اضافی به حساب می‌آیند و اثر غیر مستقیم آن در بهبودی و رقابت‌پذیری نمایان می‌شود. بنابراین موارد عنوان شده علت اصلی توجیه این مطلب است که چرا دولت‌های میزبان برای استقرار فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی در کشورشان اینگونه اهمیت‌قاثلند.

**■ شرکت‌های چندملیتی و ویژگی‌های آنها**

قسمت عمده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای توسعه‌نیافته را شرکت‌های چندملیتی انجام می‌دهند. شرکت‌های فراملی اصطلاح دیگری برای این شرکت‌ها است. شرکت چندملیتی شرکتی است که در بیش از یک کشور تولید می‌کند و عملیات خارج از کشور را بریاری منافعش پراهمیت می‌داند. زمانی نه چندان دور، واژه چندملیتی به معنای شرکت تولیدی عظیم و خصوصی ایالات متحده بود که عملیات فراوانی در کشورهای خارجی انجام می‌داد. شرکت چندملیتی در اندازه‌های مختلف مربوط، شرکت مستقیم نداشته و مسئولیت مستقیم مالی نیز متوجه او نیست. مهم‌ترین ویژگی این نوع سرمایه‌گذاری فرآز بودن آن است به عبارت دیگر سرمایه‌گذار خارجی در هر لحظه قادر است با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه‌اش را به کشور خود یا کشور ثالث منتقل کند. در نتیجه در شرایطی که وضعیت اقتصادی کشور میزبان رو به وخامت گذارده و وارد دوره رکود شود یا سطح بازدهی سرمایه کاهش یابد معمولاً این نوع سرمایه‌گذار به سرعت از کشور میزبان خارج شده و این امر باعث تشدید ناسامانی اقتصادی این کشور خواهد شد. نمونه بارز این اتفاق در بحران جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ مشاهده شد.

**ب- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Foreign direct investment FPI):**

تعاریف مختلفی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بیان شده که می‌توان به مواردی از آن اشاره کرد: به نظر «UNCTAD» سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از: سرمایه‌گذاری که متضمن مناسبات بلندمدت و منعکس‌کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مستقیم یک کشور (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شرکت مادر) در شرکتی واقع در خارج موطن سرمایه‌گذار باشد. در کتاب جامع «یاگاریو»، تملک دارایی‌ها (ازجمله سهام، اوراق بهادار و غیره) توسط سرمایه‌گذار در خارج موطن خود تعریف شده است. در مواقعی که دارایی‌ها شامل تجهیزات فیزیکی تولید شود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تلقی می‌شود. «صندوق بین‌المللی پول»، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به این صورت تعریف می‌کند: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با هدف کسب منافع پایدار در کشوری جز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌گیرد و هدفش آن است که سرمایه‌گذار در مدیریت بنگاه نقش موثری داشته باشد. به نظر «کوین» سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از نوعی سرمایه‌گذار که به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در موسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت گیرد و نتیجه آن کسب حق رای موثر در مدیریت شرکت (یا موسسه) است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با غیربومی‌ها، معمولاً در این میان جذب سرمایه به ساختار اقتصادی ویژه‌ای چون رشد بازار، درآمد سرانه، چشم‌انداز سود، دسترسی به بازار، ثبات سیاسی و اجتماعی، کیفیت نیروی کار، فضای قانونی و چگونگی مقررات، دسترسی به منابع، هزینه‌های تولید، دسترسی به فن آوری، دسترسی به مواد اولیه و غیره. نیازمند است تا بتوانند در برابر اقتصادهای دیگر توان لازم برای رقابت را داشته باشد.

**■ انواع سرمایه‌گذاری خارجی**

**الف – سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی یا سرمایه‌گذاری خارجی در سید مالی یا سرمایه‌گذاری بر تقوی (Foreign portfolio investment)**

این نوع سرمایه‌گذاری خارجیان از طریق خرید اوراق قرضه یا سهام، بدون آنکه مدیران بر عملیات،



کنترلی داشته باشند، صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذاری غیرمستقیم شکل بسیار مهم سرمایه‌گذاری خارجی در سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود اما بعد از جنگ دوم جهانی منسوخ شد به هر حال این نوع سرمایه‌گذاری احیا شد و سرمایه‌گذاران بر پایه به‌ظهور بازارهای بورس، بویژه در آسیا و به‌طور فزاینده‌ای در آمریکای لاتین، علاقه نشان دادند. بانک‌های بازرگانی با وام دادن به دولت‌های کشورهای در حال توسعه و شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم را برای مدتی با اهمیت یافتند اما این موضوع با بحران‌های دهه ۱۹۸۰ رو به زوال گذاشت. سرانجام شرکت‌های صادرکننده، بانک‌های تجاری‌شان و بانک‌های رسمی، اعتبارات را صادرات را به کشورهای واردکننده عرضه کردند که یک روش ارتقای فروش از طریق امکان پرداخت‌های با تأخیر برای واردات و اغلب با نرخ‌های بهره تجاری بود. به‌گونه کلی سرمایه‌گذاری غیرمستقیم به شکل سرمایه‌گذاری در پرتفولیو (portfolio) است که در این شکل از سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار در اداره واحد مربوط، شرکت مستقیم نداشته و مسئولیت مستقیم مالی نیز متوجه او نیست. مهم‌ترین ویژگی این نوع سرمایه‌گذاری فرآز بودن آن است به عبارت دیگر سرمایه‌گذار خارجی در هر لحظه قادر است با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه‌اش را به کشور خود یا کشور ثالث منتقل کند. در نتیجه در شرایطی که وضعیت اقتصادی کشور میزبان رو به وخامت گذارده و وارد دوره رکود شود یا سطح بازدهی سرمایه کاهش یابد معمولاً این نوع سرمایه‌گذار به سرعت از کشور میزبان خارج شده و این امر باعث تشدید ناسامانی اقتصادی این کشور خواهد شد. نمونه بارز این اتفاق در بحران جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ مشاهده شد.

**ب- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Foreign direct investment FPI):**

تعاریف مختلفی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بیان شده که می‌توان به مواردی از آن اشاره کرد: به نظر «UNCTAD» سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از: سرمایه‌گذاری که متضمن مناسبات بلندمدت و منعکس‌کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مستقیم یک کشور (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شرکت مادر) در شرکتی واقع در خارج موطن سرمایه‌گذار باشد. در کتاب جامع «یاگاریو»، تملک دارایی‌ها (ازجمله سهام، اوراق بهادار و غیره) توسط سرمایه‌گذار در خارج موطن خود تعریف شده است. در مواقعی که دارایی‌ها شامل تجهیزات فیزیکی تولید شود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تلقی می‌شود. «صندوق بین‌المللی پول»، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به این صورت تعریف می‌کند: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با هدف کسب منافع پایدار در کشوری جز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌گیرد و هدفش آن است که سرمایه‌گذار در مدیریت بنگاه نقش موثری داشته باشد. به نظر «کوین» سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از نوعی سرمایه‌گذار که به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در موسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت گیرد و نتیجه آن کسب حق رای موثر در مدیریت شرکت (یا موسسه) است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با غیربومی‌ها، معمولاً در این میان جذب سرمایه به ساختار اقتصادی ویژه‌ای چون رشد بازار، درآمد سرانه، چشم‌انداز سود، دسترسی به بازار، ثبات سیاسی و اجتماعی، کیفیت نیروی کار، فضای قانونی و چگونگی مقررات، دسترسی به منابع، هزینه‌های تولید، دسترسی به فن آوری، دسترسی به مواد اولیه و غیره. نیازمند است تا بتوانند در برابر اقتصادهای دیگر توان لازم برای رقابت را داشته باشد.

**■ انواع سرمایه‌گذاری خارجی**

**الف – سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی یا سرمایه‌گذاری خارجی در سید مالی یا سرمایه‌گذاری بر تقوی (Foreign portfolio investment):**

این نوع سرمایه‌گذاری خارجیان از طریق خرید اوراق قرضه یا سهام، بدون آنکه مدیران بر عملیات،